

# نگاهی به کتاب

الموسوم بصلة الجمع  
و عائد التذیل  
لموصول کتابی الاعلام  
و التکمیل



اثر: عبدالله محمد بن علی بلنسی  
دو جلدی، چاپ دارالغرب الاسلامی،  
لبنان، ۱۴۱۱ هـ. ق

محسن ادیب بهروز

## مقدمه

بخش عظیمی از آثار مکتوب تدوین شده در آستانه قرآن را، نگاشته‌هایی شکل می‌دهد که با عنوان «علوم قرآنی» شهره‌اند.

علوم قرآنی را از جمله چنین تعریف کرده‌اند:

مباحثی است، متعلق به قرآن عظیم جاودان؛ از نظر نزول قرآن، جمع و تدوین، ترتیب آیات و سوره‌های آن، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، و تفسیر آیات آن و ...<sup>۱</sup>  
پیشینه این گونه آثار، بسیار کهن است و شاید بتوان گفت؛ این گونه آثار، ریشه در قرن اول دارد. در منابع شرح حال نگاری، کتابی نسبت داده شده به یحیی بن یعمر، با عنوان «کتاب فی القراة» و او در گذشته ۸۹-۹۰ است.<sup>۲</sup>

بدین سان روشن است که، ریشه این نگاشته به قرن اول، می‌رسد.

در میان علوم قرآنی، عنوان «مبهمات قرآن» بحثی است، مهم و در فهم قرآن و آیات آن، کارآمد. نگاشته‌های مرتبط با آن، گو اینکه پُر برگ نیست، ولی از محتوا و بار شایسته‌ای برخوردار است؛ ظاهراً اولین اثری که در این زمینه سامان یافته است، نگاشته ادیب و مورخ بزرگ قرن ششم؛ عبدالرحمن بن عبدالله سهیلی است، پس از وی؛ دانشمند و فقیه قرن هفتم؛ محمد بن علی خضر عسقلانی، معروف به «ابن عسکر»، افزونی‌هایی روا داشت و کتابی کامل‌تر ارائه داد<sup>۳</sup> و دیگر فرزندگان و مفسرانی چون محمد بن سلیمان زهری (م ۶۱۷)، محمد بن علی بلنسی (م ۶۳۶)

محمد بن ابراهیم معروف به «ابن جماعة» (م ۷۳۳) و ... بر گستره و توسعه آن، پرداختند. قبل از پرداختن به کتاب «مبهمات القرآن» بلنسی، اشاره ای به معنی لغوی و اصطلاحی مبهم خواهیم داشت.

### معنای لغوی مبهم

مبهم در لغت به معنای «مشتبه» و «مخفی» آمده است؛ احمد بن فارس در ذیل واژه «مبهم» نوشته است: «ان یبقی الشیء، لا یعرف المأنی الیه، یقال هذا امر مبهم». <sup>۴</sup> خلیل فراهیدی می گوید: «امری را مبهم گذارد، یعنی مشتبه کرد». <sup>۵</sup> و مؤلفان «معجم الوسیط» معنای پنهان و مشکل را بر گزیده و در تبیین معنای «مبهم» نگاشته اند: «محوسی است که برای حواس، درک آن مشکل و معقولی که برای فهم، دانستن آن سخت و ...». <sup>۶</sup>

### مبهم در اصطلاح قرآنی

ابن عسکر، <sup>۷</sup> دانش «مبهمات» را شریف ترین دانش علوم قرآنی دانسته و در تعریف آن نوشته است: «علمی است که بواسطه آن، آنانکه آیات قرآن در شأن و منزلت آنان، نازل گردیده، معلوم و واضح گردد». <sup>۸</sup> بسیاری از آیات الهی به لحاظ مصداق و یا اشاراتی که دارد، در ابهام است، که به کمک نقل و قرائن و راهنمایی های دیگر - که در جای خود روشن شده است - باید چگونگی های آن را دریافت، به مثل در قرآن کریم، خطاب به پیامبر ﷺ آمده است: «فتیری الذین فی قلوبهم مرض ...» (مائده، ۵/۵۲) می بینی کسانی که در دل هایشان، بیماری است در [دوستی] با آنان شتاب می کنند. این بیماردلان که در دوستی با کافران، شتاب می گیرید، چه کسانی هستند؟! ... ده ها مورد از این قبیل؛ این ها و جز این ها، موضوع پژوهش هایی را فراهم آورده است که در ضمن آنها، قرآن پژوهان به ابهام زدایی از این گونه آیات پرداخته اند. <sup>۹</sup>

بدین سان، مبهم در اصطلاح قرآنی، اشخاص، جایها، حوادث و جریان هایی است که در هاله ای از ابهام از آنها سخن رفته و به روشنی، مصداق آنها معین نیست.

ابن جماعة می گوید: «مبهمات قرآنی واژه گانی است که از نظر مسمّا یا معدود و یا زمان، مخفی است»، <sup>۱۰</sup> و سهیلی در تبیین آن نگاشته است: «اموری که در کتاب الهی، با نام، معین و روشن نیست و حال آنکه نزد راویان شناخته شده است». <sup>۱۱</sup>

### پیشینه نگارش های «مبهمات»

علم مبهمات قرآنی، اگر چه سابقه ای بس دیرینه دارد، اما به جهت بی مهری قرآن پژوهان، آن گونه که بایسته است، توسعه و تکمیل نیافته، لذا مجموع نگاشته هارا می توان به راحتی فهرست کرد؛ بنگرید:

۱. «التعریف و الاعلام فیما ابهم فی القرآن من الاسماء و الاعلام»،

ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله سهیلی (م ۵۹۱) که با تحقیق عبدالله محمد علی نقراط،

توسط منشورات كلية الدعوة الاسلامية و لجنة الحفاظ على التراث الاسلامى، در «طرابلس»، به سال ۱۴۰۱ هـ. ق، چاپ و نشر گردید.

۲. «البيان فيما ابهم من الاسماء فى القرآن»، محمد بن سليمان بن احمد زهرى (م ۶۱۷) که ظاهرآ چاپ نشده است.<sup>۱۲</sup>

۳. «التكميل و الاتمام لكتاب التعريف و الاعلام»، محمد بن على خضر غسانى معروف به «ابن عسکر» (م ۶۳۶). اين كتاب با تحقيق حسن اسماعيل مروة و با همت دارالفكر المعاصر، در لبنان و دارالفكر در سوریه، به سال ۱۹۹۷، چاپ و منتشر شده است.

۴. «ذيل التعريف و الاعلام»، محمد بن على بن محمد بلنسى (م ۶۳۶) که در مكتبة الحرمين مکه، به صورت خطى موجود است.<sup>۱۳</sup>

۵. «البيان لمبهمات القرآن»، بدرالدين محمد بن ابراهيم بن سعدالله معروف به «ابن جماعة» (م ۷۳۳) که ظاهرآ چاپ نشده است.<sup>۱۵</sup>

۶. «غرر البيان فى من لم يسم فى القرآن» [تلخيص «البيان لمبهمات القرآن»] که با تحقيق دكتور عبدالجواد خلف، در دار قتيبة، به سال ۱۴۱۰، چاپ گردیده است.

۷. «تفسير مبهمات القرآن»، عبدالله محمد بن على بلنسى (م ۷۸۲) که با تحقيق دكتور حنيف بن حسن القاسمى، در دارالغرب الاسلامى، لبنان، به سال ۱۴۱۱، چاپ و منتشر شده است.

۸. «الاحكام لبيان ما فى القرآن من الابهام»، حافظ احمد بن على كنانى عسقلانى (م ۸۵۲)<sup>۱۶</sup> که ظاهرآ چاپ نشده است.<sup>۱۷</sup>

۹. «مفحات الاقران فى مبهمات القرآن»، جلال الدين، عبدالرحمن سيوطى (م ۹۱۱) که با تحقيق اياد خالد طباع، در دارالمصنف دمشق، به سال ۱۹۸۶ م، چاپ و منتشر شده است.

۱۰. «كشوف غوامض القرآن»، فخرالدين بن محمد نجفى شيعى معروف به «طريحي» (م ۱۰۸۵).<sup>۱۸</sup>

۱۱. «مبهمات القرآن» نام مولف گزارش نشده است<sup>۱۹</sup> و تنها نسخه خطى از آن در كتابخانه جامع باشا در موصل، موجود است.<sup>۲۰</sup>

۱۲. «غرائب القرآن و مشكلاته و بيان شأنه و نزول آياته و معانيه و بعض لغاته و شرح مبهماته»، البته در گزارش دكتور على شواخ اسحاق، از مولف آن هيچ نامى، برده نشده است.<sup>۲۱</sup>

۱۳. «الياقوت والمرجان فى تفسير مبهمات القرآن»، دكتور عبدالجواد خلف، جلد اول آن در هند، به سال ۱۹۸۴ م<sup>۲۲</sup>، و بعدها نيز در پاكستان، چاپ شده است.<sup>۲۳</sup>

توجه برخى از صاحب نظران علوم قرآنى به «مبهمات قرآنى» در کنار بحث هاى علوم قرآنى را نيز بايست، به حساب آورد، به مثل: زرکشى در كتاب «البرهان فى علوم القرآن»،<sup>۲۴</sup> جلال الدين سيوطى در «الاتقان فى علوم القرآن» و ...<sup>۲۵</sup>

چنانکه پيشتر اشاره کرديم «تفسير المبهمات» در ميان آثار مبهمات قرآنى، جامع ترين اثر تحقيقى است که به معرفى تفصيلى آن مى پردازيم:

## نویسنده «تفسیر مبهمات القرآن»

محمد بن علی بلنسی، در سال ۷۱۴ هجری قمری، در شهر بلنسیه از کشور اندلس، دیده به جهان گشود و در همان دیار رشد کرد؛ فراگیری دانش را از همان دیار و در نزد ادیب و مفسر آن سامان «ابن الفخار» و فقیه محدث، «محمد بن احمد کلبی» و ... آغاز کرد و ادامه داد و چون به جایگاهی شایسته در «تفسیر مبهمات قرآنی» دست یافت، به تربیت شاگرد پرداخت و دانشش را بگسترده و در شصت و هشتمین سال از زندگی پربار، عالم سفلی را بدرود گفت.<sup>۲۶</sup>

## تفسیر مبهمات القرآن

آثار بلنسی، پر برگ نیست، اما پربار هست؛ از جمله کتاب مورد گفت و گو با عنوان اختصاری «تفسیر المبهمات»؛ چنانکه پیشتر اشاره کردیم، گسترده ترین و مهم ترین، اثر در موضوع «مبهمات» است.

مؤلف در مقدمه زیبایی که بر کتابش نگاشته، از چگونگی تألیف آن سخن گفته است. او می گوید:

«برای پژوهش در باره آیاتی از قرآن، به مبهمات قرآنی اندیشیدم و چون در این باره به جست و جو پرداختم، به کتاب ابوزید السهلی؛ با عنوان «التعریف والاعلام فیما ابهم فی القرآن من الاسماء الاعلام» دست یافتم و پس از آن به کتاب «التکمیل والایتمام لکتاب التعریف والاعلام»، نگاشته عبدالله محمد بن علی بن خضر بن عسکر، نیز که استدراکی است بر کتاب پیشین، دست یافتم. با تأمل در کتاب های یاد شده، آن دو را چنان یافتم که مؤلفان به اهداف والادست یافته و در ابداع و استوار سازی آرا و محتوای آثار شان کوشیده اند و در تدوین و سامان دهی، کسی بر آنها پیشی نگرفته است؛ نهایت در بیان آثار عالمان به مطالبی در این موضوع دست یافتم که شایسته دانستم، چونان تکمیل و تزییل بر کتاب های یاد شده بر آنها بیفزایم، چنین کردم و برای سخن هر کس، علامتی نهادم که آرا، اندیشه ها و آثار هر یک از دیگری باز شناخته شود و کتاب را به «صلة الجمع و عائدالتزییل لموصول کتابی الاعلام والتکمیل» نامبردار کردم، تا شناختش در میان کتابها، روشن باشد و چگونگی اش برای مطالعه کنندگان آن آشکار و ...»<sup>۲۷</sup>

## ویژگی های کتاب

۱. چنانکه پیشتر آوردیم، کتاب بلنسی، تکمیلی است بر کتاب «ابن عسکر» و «سهلی»، بدین سان، افزون بر تفسیر و تبیین آیاتی که در این دو اثر آمده است، خود نیز آیات بسیاری را که مصداق «مبهم» یافته، شرح و تفسیر کرده است، نمونه برخی از آیاتی که وی به تفسیر آنها پرداخته است، فقط از سوره بقره می آوریم:

«الذین یؤمنون بالغیب» (۳)

«و انزلنا علیکم المنّ والسّلوٰی» (۵۷)  
 «فلو لا فضل الله علیکم ورحمته» (۶۴)  
 «واذا لقوا الذّین آمنوا» (۷۶)  
 «فویل للذّین یکتبون الكتاب ...» (۷۹)  
 «وایدناه بروح القدس» (۸۷)  
 «قل من كان عدواً لجبرئیل» (۹۷)  
 و ... ۲۸

## ۲. تفسیری دوباره

بلنسی، در موارد بسیاری یا آنچه دو کتاب یاد شده آورده اند، استوار نیافته و مصداق دیگری عرضه کرده است و یا بر آنچه در همان آیات، آنان آورده اند، افزوده است؛ به مثل، در آیه «الذّین انعمت علیهم» (حمد، ۷/۱) افزون بر کلام سهیلی، که مصداق را کسانی می داند که در آیه «فاولئک مع الذّین انعم الله علیهم من النّبیین والصدیقین والشهداء والصالحین» (نساء، ۶۹/۴) به آن اشارت رفته است و ابن عسکر، که «مومنین و اصحاب پیامبر ﷺ را مصداق دانسته، وی به محمد ﷺ، ابوبکر و عمر، تصریح می کند.<sup>۲۹</sup>

و نیز در آیه «علّم آدم الاسماء کلها ...» (بقره، ۳۱/۲) افزون بر ابن عسکر که به اسمای موجودات و ملائکه، تفسیر کرده، بلنسی، به اسمای ستارگان، فرزندان آدم ﷺ و ملائکه، اشاره کرده است. ۳۰ و در آیه «الم تر الی الذّین اوتوا نصیباً من الكتاب ...» (آل عمران، ۲۳/۳) در ردیف «نعمان بن عمرو» و «حارث بن زید» که بنابر اعتقاد سهیلی، مخاطب آیه می باشند، «نعم بن عمرة» را مخاطب می داند و با استناد به روایتی از حسن و قتاده، قرآن را مصداق «کتاب اللّٰه»؛ و «لوح محفوظ» را برای «الکتاب» در تتمه آیه، معرفی می کند.<sup>۳۱</sup>

در آیه «یا ایها الذّین آمنوا لا تقرّبوا الصلوة و انتم سکاری» (نساء، ۴۳/۴) با نپذیرفتن کلام ابن عسکر، که اصحاب پیامبر ﷺ را نماز گذاران، پنداشته است، به استناد روایتی از علی [علیه السلام] عبدالرحمن بن عوف را، معرفی می کند.<sup>۳۲</sup>

## ۳. گسترده گی بحث

در میان آثار مرتبط با «مبهمات» کتاب بلنسی، گسترده ترین و جامع ترین آنها است او افزون بر روشنگری در باره مصداق آیات قرآنی، مصادیق را نیز به تفصیل شناسایی می کند و می شناساند، به مثل ذیل آیه «فسجدوا الا ابلیس» (بقره، ۳۴/۲)، به بررسی ماهیت «ابلیس» پرداخته و در چگونگی آن به تفصیل سخن رانده است.<sup>۳۳</sup>

و در آیه «اسکن انت و زوجک الجنّة» (بقره، ۳۵/۲) از چگونگی خلقت آدم ﷺ سخن گفته و به لحاظ مباحث واژه شناسی، واژه «آدم» را به بحث نهاده است، به مناسبت بحث از آدم و نسبت «عصیان» به او و چگونگی انتساب «عصیان» و ریشه های آن سخن گفته است.<sup>۳۴</sup> هم چنین به شرح

ماجرای وفات موسی علیه السلام،<sup>۳۵</sup> حادثه مباحله،<sup>۳۶</sup> نام های مکه<sup>۳۷</sup> و ... پرداخته است.

#### ۴. ریشه یابی واژه ها

از جمله ویژگی های برجسته کتاب بلنسی، بحثها و پژوهش های لغوی و واژه شناسی اوست چنانکه اشاره کردیم، او گاه به تفصیل از چگونگی ساختار کلمات، بحث کرده است، از جمله: کلمه «طالوت و جالوت» را مورد بررسی قرار داده و نوشته است:

کلمه «طالوت و جالوت»، بر وزن فعلوت از [ماده] «طول» و «جولان» نیست، بلکه همانند «غیوت و رهبوت» است و اشتقاق نیافتنی و ...<sup>۳۸</sup> و نیز در آیه «و ما علمتم من الجوارح مکلبین» (مائده، ۴/۵) چنین می نویسد: «جوارح» در لغت به معنای کواصب است و لذا به جوارح انسان نامگذاری شده، زیرا «جوارح» عامل کسب آدمی است و ...<sup>۳۹</sup>

#### ۵. نقد آرا

بلنسی، تنها باز گو کننده تفسیر ها و توضیحات ابن عسکر و سهیلی نیست، بلکه در پاره ای از موارد، با نگاهی دقیق و عالمانه، به نقد آرای آنان پرداخته است، چنانچه در ذیل آیه «و ما أنزل علی الملکین» (بقره، ۱۰۲/۲) پس از تفسیر ابن عسکر، که «ملکین» را «هاروت و ماروت» دانسته و بدل از بابل، می نویسد:

«شیخ [ابن عسکر] از ماهیت «بابل» و محل دقیق آن، سخنی به میان نیاورده و حال آنکه، مقصود اصلی کلام، همین معنا بوده است. او سپس به معرفی «بابل» می پردازد: «بابل» در این آیه، شهری است بسیار کهن، چنانچه گفته اند، نخستین شهری بوده که پس از طوفان، تاسیس و بنا شده و ...<sup>۴۰</sup>

هم چنین در آیه «یسألونک عن الخمر والمیسر» (بقره، ۲/۲۱۹) با رد کلام ابن عسکر که «حمزه و گروهی از انصار را، پرسشگر در آیه، پنداشته است»، با استناد به روایتی، عمر بن خطاب را سؤال کننده می داند.<sup>۴۱</sup> و نیز در آیه «اذ قالوا لنبی لهم» (بقره، ۲/۲۴۶) با استدلال تاریخی، به رد کلام ابن عسکر می پردازد، که «یوشع بن نون» را گوینده «قالوا» دانسته است.<sup>۴۲</sup> در تداوم این نقض و ابرام، کلام سهیلی را، در ذیل آیه «ان تطیعوا فریقاً من الذین اتوا الکتب ...» (آل عمران، ۱۰۰/۳) که «اوس بن قیظی» و «جبار بن صخر» را فریبگران مسلمانان، پنداشته است، مردود می شمارد و با استدلال تاریخی، «شأس ابن قیس» یهودی که فردی است بسیار حسود، نسبت به مسلمانان، مصداق «فریقاً من الذین اتوا الکتب یردکم ...» می داند.<sup>۴۳</sup>

#### تحقیق تفسیر مبهمات القرآن

کتاب، با تحقیق استوار و دقیق آقای حنیف حسن قاسمی، بر اساس هفت نسخه (سه نسخه در مغرب، سه نسخه در مصر و نسخه هفتم در ترکیه) نشر یافته است، یکی از این نسخه ها را، شاگرد بلنسی؛ ابواسحاق شاطبی در دوران حیات وی نگاشته است. محقق آن را اصل قرار داده و

دیگر نسخه ها را با آن سنجیده است .

چنانکه گفتیم تحقیق محقق، استوار، گسترده و سودمند است، آنچه را وی انجام داده، بدین گونه است :

۱. نشانی آیات متن و تفسیر شده .
  ۲. ارجاع احادیث به مصادر کهن؛ آوردن روایات که در متن بدانها اشاره شده است؛ سنجیدن نقل های مؤلف با منابع و مصادر و باز کردن اختلاف نقل ها .
  - محقق سعی کرده است . روایات را از منابع کهن حدیثی نقل کند و اگر نیافته به منابع تفسیری کهن، ارجاع داده است .
  ۳. استخراج اقوال: اقوال مفسران و عالمان را نیز، منبع یابی کرده و جایگاه اقوال را در منابع اصلی نشان داده است .
  ۴. واژه های استوار باب را شرح داده و در شرح واژه، به منابع کهن از کتاب های لغت، مراجعه کرده است .
  ۵. اعلام متن: جای های یاد شده در متن را به اجمال معرفی کرده و منابع پژوهش در باره آنها را یاد کرده است .
  ۶. بسیاری از روایات مورد استفاده مؤلف را، افزون بر منبع یابی، شرح، توضیح و گاه، چگونگی آن را نقد کرده است .
  ۷. شواهد شعری را توضیح داده و اشعار و امثال را نیز، منبع یابی کرده است .
  ۸. فهرستها: فهرست های محقق نیز، سودمند و کار آمد است؛ فهرست آیات، احادیث، شواهد شعری، قبایل، مذاهب، جایها، اعلام و واژه ها .
- بدین سان محقق در تحقیق، تکمیل و استوار سازی کتاب بلنسی، بسیار کوشیده و به راستی سودمندی و کار آمدی آن را بس افزون ساخته است .<sup>۴۴</sup>

۱. تفحات من علوم القرآن، محمد احمد معبد/ ۷؛ مکتبه طيبة، مدینه منوره، چاپ اول/ ۱۴۰۶ .
۲. البرهان فی علوم القرآن، ۴۲۹/۱ محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۷/۱، موسسه النشر الاسلامی، ایران، چاپ سوم، ۱۴۱۵ ه. ق؛ زرکشی الاعلام، ۱۷۷/۷ .
۳. بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱/۲۴۲، تحقیق دکتر یوسف عبدالرحمن، جمال حمدی ذهی و ابراهیم عبدالله کُردی، لبنان، دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۴۱۵؛ محمد عبدالعظیم زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱/۵۰، تحقیق دکتر بدیع السیداللحام، چاپ: دار قتیبة؛ جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۴/۹۳، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم، منشورات رضی، بیدار و عزیز، ایران، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش؛ دکتر علی شواخ اسحاق، معجم مصنفات القرآن الکریم، ۴/۱۸۹، چاپ دارالرفاعی، ریاض ۱۴۰۴ ق؛ دکتر فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان الروی، دراسات فی علوم القرآن الکریم/ ۴۲، چاپ اول، مکتبه التوبة، ریاض، ۱۴۱۳ ق؛ جلال الدین سیوطی، مفحّمات الاقران فی مبهمات القرآن / ۳۳، تحقیق؛ ایاد خالد الطباع، موسسه الرساله، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق .
۴. حسین احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱/۳۱۱، تحقیق عبداسلام محمد هارون؛ دارالکتب العلمیه،

۱. اسماعیلیان، ایران.
۵. خلیل بن احمد فراهدی، کتاب العین، ۱۹۹/۱، تحقیق دکتر مهدی فخروری و ابراهیم سامرای، تصحیح اسعد الطیب، اسوه، ۱۴۱۴ق.
۶. دکتر ابراهیم انیس، عبدالحلیم متصصر، عطیه الصوالحی، محمدخلف الله احمد، معجم الوسیط / ۷۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ایران، چاپ هفتم، ۱۳۷۶ش.
۷. از ابن عسکر، در برخی منابع به اشتباه، ابن عساکر نام برده اند، لکن در منابع معتبره ابن عسکر یاد شده است، بنگرید: خیرالدین زرکلی الاعلام، ۲۸۱/۶، دارالعلم ملایین، لبنان، چاپ هفتم، ۱۹۸۶؛ معجم المؤلفین، ۵۰۹/۳، ش ۱۴۷۰۲، عمر رضا کحالة، موسسه الرساله، لبنان، چاپ اول ۱۴۱۴ق.
۸. محمد بن علی خضر غسانی، التکمیل و الانتام / ۳۴، تحقیق حسن اسماعیل مروءة، دمشق، دارالفکر، چاپ اول، ۱۹۹۷م.
۹. فصلنامه نبات، ش ۶/۷۶، استاد محمد علی مهدوی راد.
۱۰. بدرالدین محمد بن ابراهیم، البیان فی من لم یسم فی القرآن / ۱۹۱، تحقیق دکتر عبدالجواد خلف، دار قتیبه لبنان و سوریه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۱. عبدالرحمان سهیلی، التعریف و الاعلام فیما بهم فی القرآن من الاسماء و الاعلام / ۵۰، تحقیق عبدالله محمد علی نقراط، منشورات کلیة الدعوة الاسلامیه، طرابلس، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
۱۲. التکمیل و الانتام / ۱۷.
۱۳. البرهان، ۲۴۳/۱.
۱۴. الاعلام، ۲۹۸/۵، دارالعلم ملایین، لبنان.
۱۵. البرهان، ۲۴۳/۱.
۱۶. الاعلام، ۱۷۸/۱.
۱۷. التکمیل و الانتام / ۱۹.
۱۸. معجم مصنفات، ۱۳۴/۳.
۱۹. ابتسام مرهون صفاء، معجم الدراسات القرآنیة / ۳۳۴.
۲۰. البرهان، ۲۴۳/۱.
۲۱. معجم مصنفات، ۱۹۰/۴.
۲۲. التکمیل و الانتام / ۲۰.
۲۳. معجم مصنفات، ۱۹۰/۴.
۲۴. البرهان، ۲۴۲/۱ - ۲۵۳.
۲۵. الاتقان، ۹۳/۴.
۲۶. شمس الدین محمد بن علی داوودی، طبقات المفسرین، ۲/۲۱۳، چاپ دارالکتب العلمیه، لبنان؛ عمر رضا کحالة، معجم المؤلفین، ۵۳۶/۳؛ تفسیر مبهمات، ۲۳-۲۳/۱.
۲۷. تفسیر مبهمات القرآن، ۱۰۱/۱ - ۱۰۳.
۲۸. همان، ۱/۱۲۱، ۱۵۴، ۱۶۰، الی ۱۶۶، ۱۷۲، بنگرید به: ص ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱، ۲۰۲، ۲۸۶، ۲۸۸، ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۲۹، ۳۴۰، و.....
۲۹. همان / ۱۰۷.
۳۰. همان / ۱۲۷.
۳۱. همان / ۲۷۴.
۳۲. همان / ۳۲۸.
۳۳. همان / ۱۲۷.
۳۴. همان / ۱۳۶-۱۴۵.
۳۵. همان / ۱۵۲.
۳۶. همان / ۲۸۷.
۳۷. همان / ۲۹۷، بنگرید به: ص ۲۹۹، آیات نبات؛ ص ۳۸۱، فتره پیامبران و حضرت محمد ﷺ؛ ص ۴۴۴-۴۶۷ انبیاء و ...
۳۸. همان / ۲۵۳.
۳۹. همان / ۳۷۴.
۴۰. همان / ۱۶۹.
۴۱. همان / ۲۱۷، فرهنگ لغات قرآن خطی، ش ۴، ترجمه فارسی کهن / ۲۰۸، به کوشش دکتر احمد علی رجایی بخارایی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۳ش.
۴۲. تفسیر مبهمات القرآن، ۱/۲۵۰.
۴۳. همان / ۳۰۲.
۴۴. همان ۷۰-۷۴.